

عوامل بوجود آورنده برخوردهای نامطلوب دختران و پسران

* بسیاری از انسانها وحتى مربیان، در برخورد با مسائل جزئی نوجوانان، طرف افراط را گرفته و خبری بسیار جزئی و کوچک را بزرگ و غیر واقعی جلوه می دهند. برای مثال صحبت کردن دو دانش آموز در محیط مدرسه بسیاری مواقع به گونه دیگری تبیین و تفسیر می شود.

* اگر می خواهیم دروغگوزمین کمتری برای دروغ گفتن داشته باشد، با او مانند یک راستگو رفتار کنیم نه اینکه پیوسته دروغگوبودن او را به رُخش بکشیم.

* باید با دخترانمان به گونه ای رفتار کنیم که آنها احساس کنند ما آنان را افرادی پاکدامن با صلابت و متعالی می شناسیم. همچنین با پسرانمان به گونه ای رفتار کنیم که آنها احساس کنند ما آنها را افرادی غیرتمند، پاکدامن و حافظ نوامیس دیگران می شناسیم.

• مقدمه:

در شماره های قبل راجع به نوجوان و افکار غیر واقعی او و نیز خانواده و شیوه های برخورد آنان با نوجوان به عنوان عوامل بوجود آورنده برخوردهای نامطلوب دختران و پسران بحث شد. اینک شیوه برخورد جامعه با نوجوان به عنوان آخرین عامل از نظر خوانندگان عزیز می گذرد:

۳- شیوه برخورد جامعه با نوجوان

سومین دسته از عواملی که در به وجود آمدن برخوردها و روابط نادرست بین دختران و پسران در جامعه ما مؤثرند، نحوه برخورد جامعه یعنی مردم و اطرافیان نوجوان با مسائل آنهاست. هریک از ما به عنوان عضوی از جامعه نه تنها در مورد مسایل تربیتی خود و اعضای خانواده خویش و دانش آموزان خود باید حساس باشیم، بلکه در رابطه با هریک از اعضای اجتماع خویش نیز باید حساسیت داشته باشیم. اگر در مقابل رفتار نادرست و حتی منحرف یک دختر و یا یک پسر در جامعه خود، احساسی جز ناراحتی و یا ناخوش آیندی به ما دست بدهد، باید در نحوه تفکر و اندیشه خویش تجدید نظر کنیم. اگر انحراف یک دختر و یا یک پسر، بدین لحاظ که پدر و یا مادر او در معرض بدنامی، رنج و عذاب قرار می گیرند، ما را خوشحال نماید باید در سلامت شخصیتی خود در رابطه با جامعه خویش تردید کنیم. شخصیت سالم اجتماعی و تربیتی اقتضا می کند که در مورد تمامی اعضای جامعه خویش حساس بوده و مشکل آنان را، مشکل خود تلقی کنیم و به گونه ای رفتار کنیم که شرایط را برای اشاعه فساد، فحشا و هرگونه اختلال در روابط سالم اجتماعی از بین ببریم. بدین لحاظ می باید به نکات زیر توجه نماییم. نخست اینکه از کنکاش در امور دیگران اجتناب ورزیده و کمتر در پی یافتن مسائل خصوصی دیگران و تجسس در زندگی آنان باشیم. ثانیاً از اشاعه مطالبی که در مورد دیگران می دانیم حتی المقدور اجتناب کنیم ثالثاً از شماتت و سرزنش نوجوان و خانواده او، در چنین مواردی، دوری گزینیم.

عوامل زمینه ساز اجتماعی در بوجود آمدن برخوردهای نامناسب بین دختر و پسر

الف - افراط در تبیین و قضاوت در مورد رفتار نوجوان با غیر همجنس:

جوامع انسانی بر اساس قواعد و قوانینی که در درون خود دارند عمل می کنند. قضاوتهای جمعی ضرورتاً از قواعد عقلی و منطقی و منطبق با واقع تبعیت نمی کنند، بلکه این قضاوتها بر اساس قواعد خاصی صورت می پذیرد که این قواعد در علم جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد. علیرغم این، هر فرد به عنوان عضوی از جامعه می تواند رفتار خود را بر اساس قواعد عقلی، منطقی و شرعی و عرفی تنظیم نماید به گونه ای که بتواند یک زندگی سالم و سعادتمندانه را در حد توان خویش، خود و جامعه خویش فراهم نماید. بدین منظور هر فرد

به عنوان یک انسان عاقل و تصمیم گیرنده می باید در مورد شایعات، سخنان و مطالبی که در بین آدمیان و در اطراف او جریان دارد به دقت بیاندیشد و صحت و سقم آن را مشخص نماید و بعد از یقین در درستی و نادرستی این سخنان، بر اساس وظایف شرعی و اخلاقی و عقلانی خود عمل نماید. این مطلب که توده مردم بدون توجه به درستی و یا نادرستی یک پیام آن را به راحتی به دیگران انتقال می دهند و بدین وسیله اسباب شایع شدن یک مطلب را فراهم می آورند، امری است مشخص و روشن - در صورتی که هریک از انسانها بتوانند با کنترل امیال خویش و نیز تأمل بیشتر در مورد مطالبی که می شنوند در مورد انتشار هر مطلب با دقت عمل کنند، جامعه روز به روز به طرف سلامت و صحت پیش می رود. این مطالب در تمامی زمینه های اجتماعی به نحوی صدق می کند، و در این بحث در مورد مطالبی که درباره رفتار نوجوانان و جوانان می شنویم نیز صادق است. هنگامی که مطلب یا واقعه ای را در مورد یک نوجوان و یا جوان می شنویم در قدم اول باید به عنوان انسانی که مایلیم جامعه ای سالم و سربلند داشته باشیم، آن نوجوان و یا جوان را به منزله خواهر یا برادر و یا فرزند خود تلقی کنیم و مصلحت او را چنان که برای خویشاوندان خود می اندیشیم در نظر بگیریم. بدین منظور در صورت لزوم مطلبی را که در مورد وی شنیده ایم و یا دیده ایم به طور روشن و دقیق مشخص نماییم در اینجا می باید از کنکاش و کسب اطلاع بی مورد شدیداً اجتناب نماییم.

ما انسانها معمولاً در کسب خبر از زندگی خصوصی دیگران نوعی احساس رضایت نفسانی و یا نوعی اطفاء شهوت کنجکاوی کسب می کنیم باید از این عمل یعنی کنکاش در امور دیگران و کسب خبر در مورد زندگی آنان، به انگیزه اطفاء میل و شهوت کنجکاوی خود شدیداً اجتناب نماییم. بعد از این کار می باید در مورد نقل و یا انتقال یک خبر در مورد جوانان و نوجوانان شدیداً جانب احتیاط و عقل و اخلاق را رعایت نماییم. باید از دست زدن به غیبت، سخن چینی و دسیسه گری پرهیز کرد. نباید مطلبی را که می دانیم، بزرگتر از آنچه که هست جلوه دهیم. باید واقع بین باشیم و در نقل و انتقال مطالب مربوط به دیگران شدیداً جانب عدل و انصاف را رعایت کنیم. و در صورتی که انتقال یک مطلب ضرورتی ندارد از این عمل اجتناب کنیم. بدین ترتیب باید در مورد بزرگ نمایی مسائلی که در مورد نوجوانان و جوانان می شنویم، و نیز ایجاد جو شایعه و بدبینی در مورد نوجوان و جوان کاملاً حساس بوده و از آن دوری کنیم. نباید امر به معروف و نهی از منکر را نیز نادیده



* تجربیات روان‌شناسی اجتماعی نشان داده است که افرادی که در یک جمع خود را گمنام‌تر می‌یابند، بیشتر اقدام به شکستن هنجارها و قواعد اجتماعی می‌کنند. در آشوبهای جمعی مشاهده شده است آنانی که احساس می‌کنند دیگران آنها را می‌شناسند، اقدام به اعمال لجام گسیخته نمی‌کنند.



بگیریم. به هنگام برخورد با نقل و انتقال مطالب در مورد دیگران به وظیفه خود عمل کرده و آنان را از این کار بازداریم. لازم است بدین نکته اشاره کنیم که بسیاری از انسانها وحتى مریبان، در برخورد با مسائل جزئی نوجوانان طرف افراط را گرفته و خبری بسیار جزئی و کوچک را بزرگ و غیر واقعی جلوه می‌دهند. برای مثال صحبت کردن دو دانش‌آموز در محیط مدرسه بسیاری مواقع به گونه دیگری تبیین و تفسیر می‌شود. در میان سؤالاتی که برخی از دست‌اندرکاران مدرسه در مورد صمیمیت دو دانش‌آموز در مدرسه مطرح می‌کنند، نشانه‌های این نوع تبیین و تفسیر به خوبی دیده می‌شود. آنان این صمیمیت ظاهری را حمل بر وجود مسائلی پنهانی و مخفیانه در مورد آن دو دانش‌آموز می‌کنند. در مورد وجود چنین تبیین‌هایی می‌توان به گرفتن تعدادی از دفترچه‌های خاطرات دانش‌آموزان اشاره کرد. خود شاهد گرفتن تعدادی از این دفترچه‌ها بوده‌ام که حاوی مطالبی بسیار ظریف و معنوی و شاعرانه بودند، برخی از دست‌اندرکاران مدرسه صرفاً به این دلیل که این دفترچه‌ها نام «دفترچه خاطرات» داشته، آن را از دانش‌آموز گرفته، برخوردی بسیار تند و شکننده با آن دانش‌آموز داشته‌اند. در چنین مواردی حتی شاهد گرفتن گلوبندهای معمولی که دختری با خود به مدرسه آورده، بوده‌ایم، به تصور اینکه این گلوبند نشانه نوعی انحراف و کجروی است از این موارد می‌توان به بسیاری از رفتارها و سوءظن‌ها اشاره کرد. در این بحث باید بین آنچه که در حقیقت رفتاری منحرف و یا نشانه‌ای از انحراف است، با آنچه که براساس ذهنیت ما نشانه انحراف و کجروی است، تفاوت قائل شویم. دفترچه خاطراتی که مملو از مطالب و یا عکسهای منحرف و ضد اخلاقی است از این

مقوله خارج‌اند. و باید با نوشته‌ها و عکسهایی که دلالتی بر انحراف ندارند به یک اندازه مورد ارزیابی و قضاوت و برخورد قرار نگیرند. به طور کلی می‌باید ما از تبیین و تفسیرهای غیر واقعی در مورد رفتار نوجوان شدیداً اجتناب کنیم و وقتی تفسیر و یا تبیینی را بر روی یک نشانه رفتاری فرد، می‌گذاریم از خود بپرسیم آیا چنین تفسیری درست است؟ آیا واقعیت امر به گونه‌ای دیگر نیست؟ در اینجا لازم است به این نکته اشاره کنیم که برای سالم سازی جامعه خود، باید با دیگران آن گونه رفتار کنیم که انتظار داریم آنها آن گونه باشند، نه بگونه‌ای که واقعاً هستند. اگر می‌خواهیم دروغ‌گوزمین کمتری برای دروغ گفتن داشته باشد، با او مانند یک راستگور رفتار کنیم نه اینکه پیوسته دروغ‌گویی او را به رُخش بکشیم.

به عبارت دیگر فردی را که امید می‌رود رفتار خود را اصلاح کند، در صورتی که در سخنان خود نشانه‌هایی از دروغ‌گویی را نشان می‌دهد، بهتر است به گونه‌ای با او رفتار کنیم که او احساس کند ما او را فردی راستگومی دانیم نه آن گونه‌ای که تصور کند ما سخنان او را دروغ می‌انگاریم. این چنین است در مورد نوجوانان و جوانانی که احتمالاً نشانه‌هایی از رفتار نادرست با جنس مخالف دارند، باید با دخترانمان به گونه‌ای رفتار کنیم که آنها احساس کنند ما آنان را افرادی پاکدامن با صلابت و متعالی می‌شناسیم. همچنین با پسرانمان به گونه‌ای رفتار کنیم که آنها احساس کنند ما آنها را افرادی غیرتمند، پاکدامن و حافظ نوامیس دیگران می‌شناسیم. سخنانی که به صورت جدی و یا شوخی به جوانان گفته شود و در آنها جوان آلوده و گناهکار معرفی شود برای رشد شخصیت آنان و در نهایت ساخته شدن جامعه‌ای مطلوب زیانبخش است.

ب- محترم نشمردن شخصیت نوجوان و عدم برخورد صحیح با آنان:

در ادامه بحث بالا باید به این نکته اشاره کنیم که نوجوانان را نباید با دید انحرافی بنگریم، باید برای آنان احترام قائل شویم به آنان مسئولیت بدهیم و از لغزشهای آنان چشم‌پوشی کنیم. نباید لغزشهای یک نوجوان و جوان را در تمامی زمینه‌ها عمده کنیم و آن را پیوسته به رخ او بکشیم. انسان جایز الخطاست و خطاهای دوران نوجوانی می‌تواند تبدیل به رفتارهایی سالم و سازنده شده و با در صورت برخورد نادرست تبدیل به یک رفتار عمیق انحرافی شوند. در صورتی که نوجوان رفتار نادرستی را مرتکب می‌شود، با یک برخورد کریمانه و بزرگووارانه مواجه شود، سعی می‌کند رفتار

نادرست خویش را جبران نماید. هر گونه رفتار جبرانی که نشانگر بیشمائی وی از انجام رفتار خویش است باید توسط جامعه و اطرافیان وی پذیرفته شود. در صورت سخت گیری های بی مورد و انتظار بالا تر از توان و ظرفیت، نوجوان دچار واژدگی شده و به اعمال انتقامجویانه و یا عکس العمل های نامناسب دست می زند. نوجوانی که به دلیل یک لغزش کوچک در محیط اجتماعی خود مورد بی مهری قرار می گیرد و مطرود و سرکوفته می شود و به خصوص افرادی که دارای شأن و موقعیت اجتماعی مناسبی هستند، اقدام به جذب وی نمی کنند، او را به احراز یک شخصیت ضد اجتماعی سوق می دهند. اینگونه جوانان و نوجوانان می باید توسط افراد صاحب صلاحیت در جامعه جذب شوند و در جلسات هفتگی در محل زندگی خود شرکت کنند. جذب اینگونه افراد در کنار سایر نوجوانان و جوانان محله می تواند نقش مهمی در یافتن هویت اجتماعی آنان ایفا کند.



*** تجربیات متعدّد در کشورما نشان می دهد که وجود هیئتها و جلسات مذهبی در سطح شهرها و محله ها در دادن یک هویت اجتماعی مذهبی مناسب به نوجوانان و جوانان، تأثیر بسزایی داشته اند.**



تجربیات متعدّد در کشورما نشان می دهد که وجود هیئتها و جلسات مذهبی در سطح شهرها و محله ها در دادن یک هویت اجتماعی مذهبی مناسب به نوجوانان و جوانان، تأثیر بسزایی داشته اند.

در یک بررسی اجمالی در میان افرادی که در دوره نوجوانی و جوانی در هیئتهای مذهبی در مدتی نسبتاً طولانی یعنی پیش از دو یا سه سال حضور داشته اند، نشان می دهد که این افراد از لحاظ هویت اجتماعی کمتر دچار آشفتگی شده و اهداف خویش را در زندگی مبهم و گنگ نمی یابند. وجود این تجربیات باید به عنوان سرمایه ای بسیار گرانبهائی تلقی شده و به سادگی از کنار آن نگذریم. جوانان دانشجو و طلبه ای که خود مایه های اولیه بینش دینی را دارا هستند، باید در محل زندگی خود از طریق تشکیل جلسات هفتگی، دانش آموزان دبستانی و راهنمایی و دبیرستانی را گردهم آورده و با تدریس قرآن، اصول عقائد و احکام و با توجه به بُعد روانشناختی کار خویش، به آینده سازان این مملکت هویت اجتماعی مناسبی بدهند. بُعد

روان شناختی این جلسات در این نکته خلاصه می شود که شرکت کنندگان در این جلسات از طریق احساس تعلق به یک گروه که دارای اصول و قواعد متعالی و همه جانبه است و نیز یافتن احترام نسبت به خود، در سمت و سوی یافتن هویت اجتماعی مناسب سوق پیدا می کنند. این احساس تعلق به آنها کمک می کند تا از قدم گذاشتن در مسیرهای انحرافی و غیر قابل قبول عرف و شرع دوری کنند. تجربیات روان شناسی اجتماعی نشان داده است که افرادی که در یک جمع خود را گمنام تر می یابند، بیشتر اقدام به شکستن هنجارها و قواعد اجتماعی می کنند. در آشوبهای جمعی مشاهده شده است آنانی که احساس می کنند دیگران آنها را می شناسند، اقدام به اعمال لجام گسیخته نمی کنند.^۱ به این ترتیب نقش آشنا بودن و احساس شناخته شدن از طرف دیگران یک عامل مهم در کنترل رفتارهای مربوط به هنجارشکنی است. نوجوانی که احساس می کند در محله زندگی خود توسط افرادی که خدا مقید به رعایت قواعد عرفی و شرعی هستند شناخته می شود، یک عامل بازدارنده در درون فرد برای رفتن به طرف رفتارهای ناپسند می یابد. جلسات فوق الذکر می باید توسط امنای محله کنترل شده و شرایط لازم برای تقویت و گسترش آنها فراهم شود. وجود عده ای بزرگسال که دارای شخصیت اجتماعی مورد پذیرش هستند در رأس اینگونه هیئتها، اعتماد پدران و مادران را برای اجازه برای حضور فرزندان شان در این جلسات، جلب می کند.

طرح این الگو در اینجا بدین لحاظ صورت گرفت که سرگردانی بسیاری از نوجوانان در محله ها منجر به این می شود که نوجوانان تصور سالمی از شخصیت خود نداشته باشند و به همین دلیل گاه رفتارهای نامناسب و نامعقولی را از خود بروز دهند. چنین رفتارهایی وقتی با تقبیح شدید افراد جامعه نیز همراه شود برای نوجوان این تصور را ایجاد می کند که او فردی است که چاره ای جز انجام اعمال انحرافی و پست ندارد.

چنین نوجوانانی اکثر اوقات خود را به بطالت می گذرانند و برای بُر کردن اوقات فراغت خود دست به اعمال خودانگیزخته ای می زنند که گاه با ارزشها و انتظارات اجتماعی مغایر است. بدین ترتیب عدم توجه به شخصیت نوجوان و ارزش گذاری عملی به آن می تواند مایه گمراهی و انحطاط نوجوان شود. چنین انحطاطی بنحوی برخوردارهای نامناسب او را با جنس مخالف نیز فراهم می آورد.

• پی نوشتها:

۱- اتکینسون و دیگران، زمینه روانشناسی، ترجمه محمد تقی براهنی و دیگران، انتشارات رشد تهران، ۱۳۶۹، ج ۲، صص ۳۷۶-۳۸۰